



19 آگست 2020

داکتر سید عبدالله کاظم

برادر عزیز و گرامی جناب آقای احسان لمر!

از مقاله پر محبت شما عنوانی اینجانب که بروز 14 آگست پیرامون تبصره مختصر منتشره 7 آگست که در صفحه نظر یابی این پورتال نوشته بودم و شما مطالبی در زمینه نوشتید، ممنون و سپاسگذارم. میدانم شما یک محقق پرکار بخصوص در مورد معرفی نخبگان کشور و از همه مهمتر کسانی که به دلیل دگر اندیشی سیاسی خود با بلند کردن علم "مشروطه خواهی" برای سالها زجر زندان کشیدند و بعضی شان جان خود را در راه این مبارزه از دست دادند، همیشه کوشیده و تاحد توان در معرفی آنها مقالاتی نوشته و به نشر سپرده اید. یادآور میشوم که از رساله تحقیقی شما در باره اولین اتحادیه محصلان در اواخر ماه حوت در 1328 (دوره صدارت شاه محمود خان غازی) و بعداً مصاحبه با سه تن از اعضای آن اتحادیه (هریک مرحومان داکتر حیدر داور، داکتر حمایت الله اکرم و پوهاند فاضل) در کتاب اخیر خود تحت عنوان "رویدادهای عمده در دوره صدارت شاه محمود خان غازی" که در جنوری 2020 در کالیفورنیا بار اول در 423 صفحه به چاپ رسید، با ذکر مأخذ استفاده شایان کرده ام. در این کتاب مسایل مهم آن دوره را اعم از رویداد های داخلی و خارجی کشور از جمله: رهائی زندانیان سیاسی، انتخابات بلدی، تحول در انتخابات دوره هفتم شورای ملی، انفاذ قانون جدید مطبوعات، تشکیل احزاب و انتخابات دوره هشتم شورا که مظاهرات گسترده را بار اول در تاریخ کشور در قبال داشت، و دیگر موضوعات مهم و عمده در آن دوره بطور مفصل و مستند مورد بررسی قرار داده ام که شاید این اولین بار خواهد بود که راجع به این دوره مهم و پرتلاطم سیاسی در کشور به تفصیل و با ارائه اسناد معتبر نوشته شده است. متأسفانه به دلیل مصرف گزاف پستی نتوانستم این کتاب را خدمت دوستان عزیز در اروپا ارسال دارم.

در رابطه با موضوعات نوشته اخیر شما میخواهم به چند نکته روشنی بیشتر اندازم:

1 - فرموده اید که: «هر چند کار کرد سردار داود خان شهید در آبادانی و هم برای توسعه پلیس کشور قابل توجه است، اما در اردو در سال 1959 "سیستم تاکتیکی ارتش افغانستان را بر مبنای سیستم شوروی تنظیم کرد. وقتی بر سر این موضوع در وزارت دفاع بحث شد سردار محمد داود {خان} که مسئولیت وزارت دفاع را نیز بدوش داشت، به شدت نظر صاحب منصبانی را که طرفدار سیستم ترکیه بودند، رد کرد و دستور داد تا ارتش بر اساس مدل اتحاد شوروی تنظیم گردد. بر مبنای آن یک هیئت نظامی شوروی در سال متذکره وارد کابل شد. این هیئت سه سال کار کرد و اساس پلان جدید تمام اردوی افغانستان متکی بر سیستم اتحاد شوروی گردید." (برگرفته از وبسایت کابل پرس)

شما خوب میدانید که چه قبل از جنگ جهانی دوم و چه بعد از آن بخصوص در دوره صدارت شاه محمود خان که محمد داود برای مدتی کوتاه دوبار سمت وزارت حربیه را داشت، حکومت افغانستان تلاش کرد ایالات متحده را قناعت دهد تا افغانستان را ولو در بدل پرداخت قیمت از نظر تسلیحاتی کمک کند، ولی امریکائی ها با بی اعتنائی حتی با روش تحقیر آمیز از این معامله خودداری کردند و برعکس توجه خود را در جهت تقویه نظامی پاکستان مبذول داشتند که داستان آن دراز است. قبل از آنکه محمد داود در سال 1332 به صدارت افغانستان برسد، روابط افغانستان و دولت جدید تشکیل پاکستان به وخامت گرائیده بود و این وضع یک میراث مغلق برای دوره صدارت محمد داود باقی ماند که بعداً به دلیل تخطی های پیهم پاکستان محمد داود ناگزیر شد در سال 1334 لویه جرگه را دائر کند و برای تقویه بنیه نظامی کشور نظر آنها را خواهان شود. لویه جرگه به حکومت صلاحیت داد که از هر طریق ممکن بر طبق منافع کشور در این راه اقدام نماید. واضح است که یگانه کشوری که در آنوقت آغوش خود را برای افغانستان باز کرد، اتحاد شوروی بود که با اعطای قرضه و نیز تقویه بنیه نظامی افغانستان وعده همکاری داد. به این اساس با ورود اسلحه روسی و لزوم استفاده از آن، مسلم بود که نظام اردوی کشور باید بر طبق آن تابع تکنالوژی تسلیحاتی روسی گردد؛ مشاوران روسی برای تعلیم عساکر افغان به کابل بیایند و تعدادی از صاحب منصبان افغان به آن کشور اعزام

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنډي د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

شوند. با این حال امکان نداشت سیستم نظامی قدیم و یا سیستم جدید ترکیه که جدیداً بر مبنای سیستم امریکائی بنا یافته بود، با شرایط جدید افغانستان مطابقت کند.

در این ارتباط البته قابل ذکر است که امریکائی ها، بخصوص لیون پولادا افغانستان شناس مشهور امریکائی و نویسنده چندین مقاله و کتاب در باره روابط افغانستان و ایالات متحده طی دوره های مختلف به صراحت اظهار میدارد که مسئول به چنگ افتادن افغانها در دام روس ها، ناشی از اغماض دیرینه امریکا بوده است. با استقرار روابط جدید با شوروی در زمان صدارت محمد داؤد اعزام صاحب منصبان به آن کشور و آمدن مشاوران نظامی آنها به افغانستان نسبتاً محدودتر بود، درحالیکه بعد از آن قدم بقدم اینکار با شدت بیشتر از پیش انکشاف کرد و بر تعداد رفت آمدها نه تنها در ساحه نظامی، بلکه در ساحات دیگر نیز گسترش مزید یافت. در همین احوال افکار چپ که قسماً میراث سالهای صدارت شاه محمود خان بود و در دوره صدارت محمد داؤد به شکل مخفی و زیر زمینی فعال شده بود، پس از انفاذ قانون اساسی 1343 به سرعت سر از اختفا بیرون کردند و بدون موجودیت قانون احزاب، گروه های چپ و راست افراطی و بعضی احزاب میانه علناً به فعالیت آغاز نمودند.

2 - شما می فرمائید که: «دستگاه امنیتی "سازمان مخفی و انقلابی اردو" یک سال و شش ماه ده روز بعد از استعفای سردار فقید از صدارت تشکیل شد 26 سنبله 1343 (17 سپتمبر 1964). اساس "سازمان انقلابی اردو" طی نشست در گوشه از باغ محوطه قصر دارالامان بدون استفاده از قلم و کاغذ اصلی که به مثابه یکی از وصول مبارزه مخفی تا پایان کار مراعات گردید، گذاشته شد که ادامه گروه های مطالعه و مباحثه تحت رهبری محترمین خیر کارمل تره کی بدخشی و..... است که با آرامش در دهه قبل جلب و جذب وسیع در اردو و ملکی داشتند».

نمیدانم شما این متن از کجا گرفته اید، ولی در مورد تاریخ تشکیل آن یعنی 26 سنبله 1343 شک و تردید دارم این سازمان که زیر اثر "گرو"، (دستگاه استخباراتی نظامی شوروی) قرار داشت و در آن تعداد انگشت شمار از افسران نظامی تحصیل یافته شوروی بطور بسیار مخفی جذب گردیده بودند که گفته میشود حتی هویت یکی برای دیگر معلوم نبود، چند سال بعد از تاریخ مذکور آغاز گردید. برعکس فعالیت های سیاسی و سازمانی علنی حزب دموکراتیک خلق (اعم از جناح خلق و پرچم) متفاوت بود، زیرا جناح های آن حزب زیر نظر ک ج ب و خاصاً وابستگان آن سازمان در سفارت شوروی در کابل فعالیت میکردند که شما از عده ای آنها نام بردید. معلوم است که فعالیت های سیاسی و حزبی آنها نخست بطور خصوصی و سپس با اعلام احزاب بعد از سال 1344 و 1345 علنی گردید. تا آنوقت موضوع جلب و جذب آنها در ساحه نظامی، انهم با تشکیل گویا "سازمان انقلابی اردو" هنوز راه نیافته بود و اینکار یکی دو سال بعد با احتیاط و قدم بقدم صورت گرفت.

3 - خوشحالم از اینکه جناب شما هم با این نظر موافق هستید که شوروی ها از مدتی بدانسو به حیث یک هدف طویل المدت در نظر داشتند تا افغانستان را تحت نفوذ مستقیم خود داشته باشند و برای نیل به این هدف با مهارت زیاد گام گذاشتند. آنچه را شوروی در مصر پیاده کرد، میخواستند در افغانستان نیز به منصفه اجراء بگذارند و در نهایت شخص و یا اشخاص خود را در قدرت نصب نمایند. اما حینیکه متوجه شدند، این پلان با تغییر مسیر در وقت صدارت شهید موسی شفیق و سپس با چرخش بزرگ شهید محمد داؤد مواجه شد و خطر از بین رفتن سرمایه گذاری طویل المدت خود را در افغانستان احساس کردند، بخصوص با آغاز تصفیه عناصر مخفی گماشته آنها از جمله اعضای جناح چپ کودتا یکی به دنبال دیگر در سالی بعد از کودتا و دور ساختن آنها از قدرت و در نهایت به بیرون کشیدن عمده ترین شخص مورد نظر شان که باید جانشین محمد داؤد گردد یعنی داکتر حسن شرق گردید، راهی دیگر نداشتند، مگر آنکه دست به کودتای خونین 7 ثور زدند که شما هم در نوشته خود به آن اشاره کرده اید.

باید علاوه کرد که عبدالحمید محتاط و نیز پاچاگل وفادار [بیوفا] مثل داکتر حسن شرق شخصیت های مرموزی میباشند که اکنون با روایات مختلف میخوانند خود را از ماجرا برأت دهند و گاهی بیک شکل و گاهی به شکل دیگر ابراز نظر میکنند. لذا در مورد اظهارات آنها باید بسیار دقت کرد و آنرا در ترازوی منطق بررسی نمود. داکتر حسن شرق اذعان میکند که محتاط و وفادار با شمول چند تن دیگر با تشکیل یک "گروه کار" در نظر داشتند دست به اقدام علیه نظام بزنند که این پلان افشاء شد و یکی از عمده ترین دلایل برکناری آن هر دو از کابینه و اعزام شان به حیث سفیر همین موضوع بود.

4 - نوشته اید که: «بدر بختانه و با هزاران تأسف پایه های نظام در اردو و پلیس تحت اداره اشخاص بسیار ضعیف و نا توان ایستاده بود. آیا هم دستی وزیر داخله (به قول از مرحوم میر محمد صدیق فرهنگ) با حفیظ الله امین واقعیت

د پانو شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

داشت؟ گر چند ما در عمل شاهد بودیم اولین بار (دوره خا نواده نادر خان) زندانیان مهم سیاسی به توقیف ولایت کابل برده شدند. امین شب گرفتاری ها را در منزل خود گذشتاند. وزیر داخله در شفاخانه صدا زد به امین بگوئید که من زخمی شدیم؟؟؟، همچنان استخبارات کشور بدست محمد اسماعیل خان فرمان بود. وزارت های تحصیلات عالی و معارف هم وضع بهتر از آن نداشت.»

این فرموده شما تاحد زیاد واقعیت دارد که دستگاه های امنیتی و نیز معارف کشور بدست اشخاص ضعیف قرار داشت جنرال محمد اسمعیل در راس اداره "امنیت ملی" شخص مشکوکی بود که از دوران سلطنت همچنان در آن مقام باقی مانده بود و رئیس استخبارات وزارت دفاع نیز در وظایف محوله بسیار سبکسری ها کرد، وزیر دفاع نیز به هدف جانشینی بعد محمد داؤد بیشتر به خاطر خواهی بعضی از عناصر جناح چپ کودتا پرداخت، در دستگاه امنیتی وزارت داخله نیز عناصر چپ عمیقاً خانه کرده بود که عبدالقدیر نورستانی به تصفیه بعضی از عناصر آن پرداخت و اما نتوانست عناصر مخفی را تصفیه کند، چنانچه در مورد بازداشت حفیظ الله امین شخصی موظف گردید که حتی در روز 7 ثور وقتی قوای کودتا چی وارد وزارت داخله شدند، آن شخص خود را به حیث عضو پرچم معرفی کرد، ولی افسر کودتا چی که خودش نیز یکی از پرچمی ها بود، به عضویت او باور نمی کرد. (برای شرح مزید به کتاب "شب های کابل"، نوشته با نام مستعار "جنرال عمرزی" که نام اصلی نویسنده "غنی صافی" است، و افسر موظف بازداشت امین در آن شب بود، مراجعه شود. این کتاب بار اول در سال 1388 ش در 408 صفحه بوسیله انتشارات میوند به چاپ رسیده است)

اینکه مرحوم فرهنگ و یا کسی دیگر ادعا کرده که قدیر نورستانی در آخرین لحظات زندگی خود در شفاخانه صدا زد که به «امین بگوئید که من زخمی شده ام!» منطقاً قابل باور نمیباشد، زیرا او در لحظه به شفاخانه انتقال داده شد که هنوز کسی دقیقاً از نقش امین و یا دیگران در کودتا نمی دانستند و نیز به استناد اظهارات مرحوم داکتر عبدالرحیم نوین که در همان شب هولناک با دیگران در ارگ ریاست جمهوری بودند، شاهد مکالمه قدیر نورستانی با یکی از موظفین ارشد محبس ولایت کابل بود که نورستانی به او هدایت میداد تا سران زندانی خلقی و پرچمی را فوراً تیرباران نماید، ولی طرف مقابل از او سند امر را تقاضا میکرد. بناءً با این وضع که انسان در حالت مرگ قرار داشته باشد، به هیچ وجه از دشمن طلب کمک بيمورد نمیکند. نورستانی ساعات بعد از مواصلت به شفاخانه وفات کرد. داکتر حسن شرق در کتاب خود نیز به روابط قدیر با جناح خلق اشاره میکند تا بدانوسیله پای پرچم را مغشوش سازد، درحالیکه این افواه با سرسپردگی قدیر نورستانی به شهید محمد داؤد و نظام جمهوری غیر قابل انکار است. (برای شرح مزید دیده شود - حسن شرق: "تاسیس و تخریب اولین جمهوری"، صفحات 211 و 213 و همچنان 245 و 246)

5 - در مورد صحبت شهید محمد نعیم با مرحوم داکتر علی احمد خان پوپل از منبع مشکوک نقل قول کرده اید که روای آن از دو طرف در ضدیت آشکار با نظام جمهوری و شخص محمد داؤد قرار دارد و نیز مرجع و سند مربوط این صحبت که روای آن شخص جانبدار باشد، از نظر ارزش سند ضعیف و کم اعتبار محسوب میشود. اگر نگاهی به مقالات محترم فواد ارسلا انداخته شود، او به ترجمه یک سند سفارت امریکا در کابل عنوانی وزارت خارجه آن کشور از جریان صحبت های محمد نعیم خان با سفیر امریکا در کابل گزارش میدهد که آگاهی قبلی محمد نعیم خان را حتی یک سال قبل از کودتای 26 سرطان و حمایت و لزوم کودتا را بیان میکند و نیز سفر غیرمترقبه نعیم در لندن و دیدارش با اعلیحضرت در هوتل نیز احتمال آن را تقویه میکند که ایشان در مورد تغییر نظام باید سخنانی گفته باشند. رفتن فوری سردار ولی به کابل و نیز بعد از کودتا خون سردی اعلیحضرت در مورد کودتا، نشانه های از آنست که شاه از اوضاع بوسیله محمد نعیم خان آگاهی قبلی داشته است (والله اعلم). لذا به قول راوی مشکوک "گریه کردن نعیم خان و شکایت از برادرش" که هر دو مثل دو جسم در یک روح بودند، کمتر قابل باور میباشد.

6 - در مورد اهلیت و کفایت کاری وحیدعبدالله از قول محمد نعیم خان حین صحبت با داکتر علی احمد خان پوپل و نیز یکی از همصنفان دوره مکتب وحیدعبدالله شما در نوشته خود اشاره هایی کرده اید. واقعاً او دارای تحصیلات عالی نبود، ولی سالها در وزارت امور خارجه در دوران شاهی در پست های مختلف اما در رده های پایان یا متوسط کار کرده بود. اینکه او چگونه به معاونیت وزارت خارجه منسوب گردید، بای گفت که در آغاز کودتا موضوع استحکام نظام سؤال اول بود، لذا اتکاء به اصل شایستگی کمتر، و اصل اعتماد بر اشخاص بیشتر مطرح بود. از طرف دیگر طوریکه خود میدانید، محمد داؤد در آغاز وزارت های دفاع و خارجه را بدوش خود گرفت و جنرال مستغنی و وحید عبدالله را به امر خود و بدون نظر گویا کمیته مرکزی به وظایف مربوطه گماشت که سخت مورد انتقاد جناح

د پانو شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په خیر و لولی

چپ کمیته قرار گرفت و اینکار یکی از موضوعات مهمی بود که محمد داؤد خواست نقش عملی کمیته مرکزی را به سطح مامورین زیر امر خود پایان آورد و اولین ضربه کاری در همان روز های اول بعد کودتا محسوب میشود که نفوذ عناصر کودتایی را در اداره امور کشور محدود ساخت. باید علاوه کرد که جنرال مستغنی از صلاحیت بیشتر برخوردار بود، ولی وحید عبدالله امور محوله را زیر نظر شخص محمد داؤد و به خصوص طبق هدایت محمد نعیم خان که در واقع از سالها در امور سیاسی کشور نقش مهم داشت، اجراء میکرد.

7 - مسرت دارم که شما بر عکس بعضی مدعیان دیگر به این نظر هستید که: «قتل میوندوال پیراهن {خون پر} عثمان نیست. واقعیت است که مورد تائید جناب شما هم می باشد ، اما من هرگز {مسئولیت} را بدوش یک شخص یعنی سردار داود خان شهید نه می اندازم. ولی همه مردم کشور بخصوص آگاهان آن زمان برویت شواهد عینی می دانند که میوندوال در جریان تحقیق و شکنجه کشته شده.»

در رابطه با قول معروف "پیراهن خون پر حضرت عثمان" که آنرا بکار برده ام، باید توضیح دارم که مقصد من شخص شما نبوده اید، بلکه بعضی دیگر از دوستان شهید میوندوال میباشند که از این وسیله به مقصد لطمه زدن به حیثیت محمد داؤد و حتی برأت ضمنی عاملان اصلی شهادت موصوف به شایعه می پردازند و از آن استفاده تاکتیکی میدارند، یعنی همانطوریکه مخالفان حضرت علی محض به هدف لطمه زدن به حیثیت او آن پیراهن خون پر را بلند میکردند.

اینکه میوندوال به شهادت رسیده است، جای شک و تردید نیست، ولی چگونگی قضیه مطرح است و همچنان عامل یا عاملان آن که این کمترین بعد از تدقیق و بررسی مکمل موضوع به نتایجی دست یافته است که شرح آنرا در جلد دوم کتاب "زندگی سیاسی شهید محمد داؤد" به نشر سپرده است که انشاء الله بزودی متن مکمل تر آنرا به سلسله در این پورتال وزین به نشر خواهیم رسانید تا علاقمندان موضوع که تاحال به کتاب فوق الذکر دسترسی نیافته اند، از آن آگاه شوند.

در پایان ضمناً عرض میکنم که چون جناب شما به تحقیق مسایل تاریخی وبخصوص در رابطه با شخصیت های مشروطه خواه کشور طی چند دوره علاقه بیشتر دارید، یک توصیه دوستانه و برادرانه دارم که در انتخاب منابع و مآخذ خود در جوار اینکه چه گفته شده، به اینکه کی گفته است، نیز باید دقت کنید، زیرا گفته های جانبدارانه ناشی از حب و بغض ها را نمیتوانید از ورای دقت به روابط شخصی روای با موضوع خوبتر درک نموده و در باره صحت و سقم نظر آنها به اساس شواهد و منطق و نیز با مراجعه به نظریات مقابل مورد بررسی و دقت قرار دهید تا قضاوت و تحلیل شما از اشخاص و قضایا بیشتر استوار بر اصول تحقیق آفاقی گردد. به امید صحت و سلامت و نیز موفقیت مزید شما با ارادت سیدعبدالله کاظم.

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاره ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ